

سال گذشته (۱۸۳۶) - و حال قبل از آن	
درهون الم (۱۳۰۲۸) بشمار بوده است	
شهر بمبئی	(۴۷)
مضافات بمبئی	(۹۷۹۱)
کراچی	(۸)
مدراس و مضافات آن	(۳۶۴)
کلکنه	(۲۲)
بنگال	(۷۸۰)
ممالک متحده هند	(۱۸۱۹)
پنجاب	(۱۱۰۴)
ممالک متوسطه هند	(۲۰۵۱)
امارت میسور	(۶۷۳)
امارت حیدر آباد	(۸۹۲)
راجپوتانه	(۲۴)
وسط هند	(۹۸۰)
کشمیر	(۲۳)

مکتوب یکی از فضیای نامدار

(۱۰ رمضان سنه ۱۳۲۱)

مؤیدالاسلاما - دام تأییدکم در نامه مقدس نمره
 یازده از سال یازدهم در مکتوب شمیران شرحی
 نگاشته شده از آنجمله احضار جناب حاجی امین الدوله
 بایران و حال امرا و وزرا و لشکری و کشوری و هزینه
 دولت و غیره است که محلی سخن ما بست - پس از آن
 نهایت استبعاد از قبول جناب حاجی امین الدوله عهدت سدارت را
 نموده لازم شد بدن چند کلمه تردید و توضیح و تشریح
 مطلب را نموده تا از برادران دیندار دولتخواه وطن
 دوست ازاله هم و غم گردد - مستدعی آنکه درج در
 نامه مقدسه فرموده تا رفع شبهه از حضرات مشترکین
 محترم شود

گویا نگارنده کاملاً از علو همت و مردانگی و
 دینداری و دولتخواهی این وجود محترم خردمند
 عاقل یگانه و کامل فرزانه باخبر نبوده ورنه ابا و امتناع
 ایشان را در کارهای دولتی باین شد و مد نمی نوشت -

تا جائیکه ما اطلاع بر احوال این فدائی ملک و ملت
 داریم - در ترقی و آسایش دین و دولت و ملک و ملت
 هرگونه تعب و مشقت را بر خود هموار و از بذل جان
 و مال و اهل و اولاد و حرمت و ثروت خود دریغ
 ندارد - و همه تن بجان و دل آماده است که کار
 نمایانی که مایه فلاح و رشد و نجات و سداد دولت و
 ملت است بنماید - و عقده لاینحل وطن و ابناء وطن را
 بخرد دور بین بگشاید

هرگاه بگان نگارنده مکتوب مفصله زمام دور
 جمهور نشود و مثل سابق که از ظلم ظالمین و جور
 حاسدین و مخربین دین و دوات نکوشا ازوا خزیده
 دامن از مداخله امور عامه در کشیده ساکت اشید
 روز جزا مورد مواخذة هزارها کرور نفوس حایه
 و آئینه ملت و دولت خواهد گردید - چه این فاصل یگانه
 الله در نظر دارند فتره حطایة شقیه را که حصرت
 مولی الموالی ارواحا اقرب مرقد الشرف فداء پس از
 آنکه میسر نماید (بصبرت طی طول المدة و شدت المحنة) تا
 میرسد به بیعت مسلمین با آن محاب میسر نماید (اما والله
 لولا حضور الحاضر و قیام لجة بوجود الناصر لا لعب
 حبابها علی غارها و لسقیت آخرها نکأس اولها) چون
 آن امام والا مقام پس از قیام حجة و وجود ناصر
 و یاور بحسب تکلیف شرعی ناچار متقلد امر خلافت
 و اصلاح حال امت گردید - این عبد مطیع فرمانبردار
 و سنی آن بزرگوار هم ناچار است پس از قیام حجت
 که حکم محکم اعلی حضرت شهریاری و وجود ناصر
 و یاور که بام اساطین دین و رؤسای روحانی مسلمین
 و نواب حضرت مقدس سید المرسلین صلی الله علیه و
 آله الطاهرین و فاطمة سندگان حضرت رب العالمین یعنی
 رعایای ایران رهین باشند اقدام با محام امور جمهور و
 نظم ملک و ملت نماید

چگونه میتواند محاب و ربید و حال آنکه تکلیف
 شرعی و عقلی مقتضی آنستکه هرکس قدرت بر اصلاح
 امور دین و دولت دارد - آئی تکامل و تساهل

روا ندارد مکتبه اند (فی التاخر آفات)

چنان مرد عاقل تصور نماید که چنین شخص
دیندار دولتخواه شاه پرست وطن دوستی از تشدید
دین و تأیید دولت و یاری پادشاه و غمخواری وطن
دست برداشته باعذار غیر مشروع متعذر گردد

البته يك نکته است که قبل از اقدام در امور
دولت بعضی شروط از قبیل تأسیس مشورخانه دولتی
و ماق و ترویج قانون اساسی و مساوات و بنای مدارس
رشدیه - و عزل مردمان بی عقل و دین جاهل نادان که
دستان از خون مات رنگین است - و نص رجال
باکامیاب و درایت و سیاست و تعیین تکالیف هر يك
از امر و مأمور و غیر ذلک بمابطول شرحه هر چه
موافق تدبیر و دینداری و کفایت باشد خواهند نمود -
و این مطالب نام راجع بصلاح دولت و مات است

زیرا که تا تکالیف هر کس معلوم نباشد کسانیکه مدت
بی سالست بطبیعی و حیوی میرزا علی اصغر خان عادت
کرده رعایای بیچاره را از غلامان زر خرید خود ذلیل
تر داشته چون به بینند یکباره وضع تغییر کرده بساط
خلود سری و استبداد بر چیده - قانون عدل و داد
و مساوات بین المباد مسند نشین گردیده - خطابات و
القاب بحسب لیاقت - جیره و مواجب باندازه خدمت داده
میشود - بحسابی و مفت خواری و خارتگری و مردم
جایی معدوم - حساب و امن و امان و عدل و احسان
بسرکار آمده چگونه ساکت خواهند نشست - و از اجحاف
و زیاده روی دست توانند برداشت

لذا لازم است که قبل از تصرف در امور
بشرایط حکیمانه راه بهانه را بسته تا هر کس بجای
خود نشسته از زیاد طلبی باز آید - ورنه در حق این
یکانه آفاق چنین کانی عین خطاست چرا که اگر چنین
روزی بکار دولت و مات نیاید چه وقت خواهد آمد

دوست می باید که گیرد دست دوست

در پریشان حالی و در ماندگی

و گرنه مرحوم حاجی میرزا آقاسی هم در هنگام

آسودگی و رفاهیت توانست از مسند محسن اطفال باورنگ
صدار بر آید - اگر چه بمطلب بسیار است لکن باطل
ما يعلم بقال والسلام علیکم وعلی من سی فی تأیید الاسلام
و تعیید ملت خیرالانام و آله الطاهرین بالصلاة والسلام
راقم (م - ص ۳۰ ج)

مکتوب از بوشهر

چون بر هر يك از افراد نوع لازم بل واجب
است آنچه را نداند در صدد تحصیل برآمده - و آنچه
را داند از دیگران مضایقت نماید - موضوع اینمشاله
را خواه صلاح دنیوی قرار دهند یا ثواب اخروی
هر دو مربوط بهمیدیکرند - بهتر آنکه در امور حالیه که
مظهر و مرآت ما بعد و نتیجه اش خیر دنیا و آخرت
است سخن گفته آید - و اینرا هم عرض کنم که آنچه
گفته میشود اگر چه مکرر میباشد ولی در تکرارش
آثار خیر و صلاح پدیدار است

اکابر و دانشمندان مملکت اسلام که صاحبان فکر
صائب و رأی دزین میباشند همان نشر افکارشان
عموم را کفایت است - و اشخاصیکه درجه دوم و
اواسط الناس محسوبند باید تحصیل علوم و صنایع نمایند
و مشغول تجارت و نشر علوم و خدمت بدولت و مات
باشند - کسانیکه در نقطه ثالث واقع شده و ادانی
ناس محسوبند در تحت حمایت اواسط الناس باید هر
خود را بسایبان برند تا چاره همه وقت منتظر امر
و فرمانند بر آنها هیچگونه بحثی وارد نیاید از اینجا
معلوم میشود که تمام او امر و نوای بسته بمقاید
آگاهان مملکت و دانشمندان مات است - انظام امور
جمهور - دایره مطبوعات و معارف - حفظ حقوق رعیت
و شئون مات ترویج علوم و صنایع و تجارت رفع نواقص
دین و دولت همه بسته بهمت والا نهمت ایمان دین و
دولتست براین مذهب علت انهدام ملت گردیده خداوند
مؤسس مابینت و مقوی را عبرة لاولی الابصار عقوبت فرماید
علمای اعلام کثرالله امثالهم همینکه ملتفت عیوبکار
شدند جدا در صدد برآمده و تا ممکن است و از

عهدشان برآید همزای در ترقیات ملت و دولت اسلام خواهند فرموده - دولتیان و ارکان سلطنت هم اگر همزای و معاونت نمایند جندی نگردد که آنچه را در خیال خود گذرانند بچشم بینند

کمان فرمائید که شخص و زیر دارای همه علوم تواند بود - هر يك از عقلا را مغز و هوش و استعدادی است که دیگری دارای آن نمیباشد (خلق الانسان من تفاوت) هیچ فرزندی مثل پدر نشود - هر کس را دارای صفت و دانش عاید شده خواهیم دید - نباید فرزند را به پدر و برادر را به برادر شناخت

مقصود اصلی از میان نرود - خوابالی آنچه را که از ضرب شمشیر و صرف مایونها درم و دینار یعنی زر و زور ساخته نمیشد از قوه قلم و نیت ياك و عقیده تابناك بمنصه شهود رسانیده خاطر مسلمانانرا از زنگ کدورت زدوده آسوده نمودید

اما مطلبی است که جبهی را هنوز مشوش نگاهداشته و آن خیال مراجعت خائن است اگرچه با اینعداوتی که این دشمن دین و دولت بملت اسلام نموده مشکل است باطن شریعت و اقدام علماء اعلام مسلمانانرا باز در تحت حکم او قرار دهد

بعضی را عقیده بر این است که چون دولت عایه ایران تغییر مسلک و پالیٹیک داده با اقتدار دولت همسایه شاهی و نفوذی که او حاصل کرده سی در اضمهلال خود نموده و مینماید - البته این عقیده و رأی خطا و صاحبان این اعتقاد عمداً یا سهواً باشتباه افتادهاند

برخی را خیال این است که بملاحظه مصالحت چند روزی اعتزال امینالسلطان اقتضا نمود باز همان آتش و کاسه است و خائن بهر تدبیر که هست و نقشه که کشیده استرضای خاطر ملت را حاصل خواهد کرد -

جماعتی متفق القول هستند ~~حکمه~~ هیچگونه پاتیک دولت تغییر نکرده و نخواهد کرد مگر موقتاً بر این شکل چندی خواهد ماند تا صداها خاموش شود داعی از پاتیک و سیاست بی بهره و در این خط

سیر نکرده حل این مسائل را آقایان علماء و رجال البته ایضاح خواهند فرمود - با اینکه این مطلبی است که عقلاً قبول نمیتوان نمود که باز شخص خائن در خدمات دولت قبول شود - باز هم جماعتی منتظر و معتقدند چون سخن عوام سبب شهرت مطالب است قبل از آنکه اشهار این سخنان ذهن مردم را شوب و رعص و خوف ملت را فرا گیرد باید جلوگیری نمود که اهالی از ترقیات خود باز نه ایستاده و بکار خویش مشغول باشند این اوقات ورة باهضای علماء نجف اشرف در

تکفیر و ارتداد امینالسلطان بایران رسیده مردم را از تشویش بیرون آورده - طرفداران امینالسلطان را هر خوشی بر لب زد - عجب تدبیری علهای اعلام برای آسایش ملت و قلع و قمع خائن و ترقی دولت اسلام بکار بردند - دوسه بوم بعد روانه و بهر جا که رسیدم عریضه عرض خواهم نمود (راقم خیرخواه مات)

مکتوب از عدن

(۱۲ شعبان سنه ۱۳۲۱)

بشارت باد خاصان حرم را

که سوی کعبه آید بت برقی

حرمان حرم قدس بحانی و عاکمان معاکف قرب یزدانی را بشارت و مزدگانی باد که دین اسلام و مات حضرت خیر لانام عایه و آله افضل الصلوة والسلام دوباره دل بترقی و صروج نموده - عجبیکه ارباب ملل و ادیان دیگر میل و رغبت بآن کرده بمراسم حج و اشعار مشاعر اسلام و تحریم محارم احرام پرداختهاند چنانچه میرزا علی اصغر خان صدر اعظم سابق که عقاید و افعال و کردار و رفتارش مستغنی از وصف و بیانست امسال عازم حج کعبه اهل ایمان گردیده اگرچه این عزیمت حالی از دو وجه نتواند بود یا محض فرار از قهر شاهنشاه است که مبدا جزای کردار نا بهنجارش در کنار نهند - و بقصاص خونهای ناحق رعایای بیگناه که بمنزله اولاد عزیز پادشاه جبهانند مدار اعتبارش سر بماند فرمایند یا واقعاً عزم حج

و طواف خانه حق سبحانه و تعالی دارد - آنهم از سو
صورت بیرون نیست یا برای خدعه و تدلیس و تزویر
و تلیس و اشتباه کاری تا بر اهل مذهب و مات چنین
بنماید که اعتقاد بدین و آئین مقدس اسلام دارد. و بدان
جبهه راه حج میسپارد - شاید بدین سالوس و تزویر برده
بر اعمال و افعال و اقوال هنگام وزارتت نسبت باسلام
و مسلمین و رؤسای دین مبین کشیده بلکه بدین وسیله
بار دیگر بتدبیر و تزویر بر سر کار آمده افکاریکه در
بربادی دولت و مات اسلام داشته و ناتمام مانده بود با انجام
رساید - بجوی که دیگر اثری از آثار آن باقی نگذارد غافل
از این دو بیت که نزد خواص و عوام مشهور است

حاملان در زمان معزولی

همه شبلی و با بزید شوند

باز چون بر سر عمل آیند

همه چور شمر و چون یزید شوند

بحال است که شاهنشاه فرزند کشته - و رعایای

بخون آغشته - پس از اطلاع بر افعال مات سور دولت

گدازش راضی بحکومت و وزارت او گردند - پس از

بدر کشتن و نخم کین کشتن چشم آشتی داشتن

حطاست - چه کوس رسوائی و بر سر بازار زده -

و طاری و طامی و جهوش آورده - ممکن نیست بمکرو

فریب و دستان باز با رزوی خود نایل گردد - زیرا که

(لا بدخ العاقل من حبر واحد صرّین)

یا غرض سیاحت و نیشا و تفریح و تفریح و استهزاء

و سخریه بدین و متدبیرین دارد - چنانچه شیوه سیاحت

فرنگستانست که بیوسته با لباسهای مبدل ملبس و معاویین

مختلفه بسیر و سیاحت اما کن متمرکزه بیروند و مات خود را

از وضع و آئین و حال - مطامع و بنکته چینی اشتغال

میورزند - استیفاء ندارد نه او هم مانند هم کیشاز خود

محض تفریح و سیاحت بدین سر اعدام کرده (بناء علی

احمد الشقوق المذکوره) خواه از روی احنیا یا کره

و اجبار کما قبل ما را از مدارسه بیرون میرویم یا سیر و

سیاحت باشد دلیل بر خروج ملت اسلام است

چنانچه بر هر دانای خبیر واضح و آشکار و محتاج
بیان نیست - احتمال ضعیفی هم مبرود که پس از فکر و تأمل
در احوال خود که (فعال ما برید) شده بود و الحال مصداق
(یوم بعض الظالم علی ید به یقول لیتنی انخذت مع الرسول
[یعنی دین و رؤسای دین] سیلا) - یا و یاق لیتنی لم انخذ
فلاناً [یعنی دولت روس (خلیلا)] گردیده از مسند صدارت
معزول و برکنار و از اورنگ وزارت و حکومت و
امر و نهی و قتل و اسر و نهب سندگان خدا مخلوع و
بی اختیار شده - چشم عبرت پندش باز و از قدرت حصرت
کردگار بی اتیاز که هرگز در خاطرش خطور نکرده بود
اعتبار گرفته روی نیاز بدرگاه پینیا آورده - قلب قلبش
از ظلمات کفر بنور ایمان مهتدی و منور شده باشد

ولی ندانم چون خطاب باو رسد (که تو در برون

چه کردی که درون خانه آئی؟) چه جواب گوید

آیا خواهد گمت در تحریب دین و دولت و ملک ملت

اسلام کوشیده - خون مؤمنین و متدبیرین را نوشیده -

لباس جور و بیداد پوشیده هیچ دقیقه در اعدام دولت

و دین و انهدام قواعد شرع مبین فرو نگذاردم؟ یا هنر

دیگر تراشیده کردار نا بهنجار خود را خواهد پوشید -

هیات که در دستگاه عالم السرو الحقیات که در کتاب کریم

میفرماید (ان الله علیم بذات الصدور) تزویر و دخل و سالوس

و حیل بمخرج روه - (لاه تعالی بکل شیئی علیم خیر)

پس حجبی که زاهد و راسخانش از مال ارامل و ایتم

و فقرا و ضعفا بانواع شکنجه و آزار و رشوه بیع

ممالک اسلام و قتل و اسر و نهب و غصب جمع شده

چگونه مقبول و کفاره هزاران خون گردد - با وعده

حضرت آفریدگار جلت عظمنه که میفرماید (من قتل

نفساً بنیر نفس او فساد فکما قتل الناس جمیعاً) پس چه

خواهد بود حال کسیکه هزارها مرتبه جمیع مردم را

کشته و بخون آغشته است (نسلک اللهم یا جبار یا قهار

یا منقم بهسارتک ان تنقم العبادک الضعفاء المظلومین

من الظالم الفسادر الفشوم بمحمد و آله الطاهیرین صلواتک

معادن طلای انگلیس ها در افریقای جنوبی

افریقای جنوبی طلا دهنده تمام جهان

بکار بردن تخواه در این عمل بلاشبه اسباب انتفاع کلی میگردد - خصوصاً بصاحبان تخواه و متمولین ایران تکلیف میشود اتباع اسهام معادن طلای فوق الذکر که عنقریب قیمت آنها ترقی خواهد کرد قیمت اسهام مزبور از طرف کبان موسوم به (گلادیز پروپرایتاری گلد ماینس کبان لیمیتد)

Gladys Proprietary Gold Mines Company Limited

که در افریقای جنوبی دارای امتیاز عمل طلای آنجا است سهی هفت قران و دوینست دینار معین شده است

نرخ اسهام مزبوره ترقی خواهد کرد در زمان کار کردن در این معادن الی دو تومان و نه قران و زیاد تخواه این بلیت ها را ممکن است بکمبانی رسانیدن بتوسط اداره بانک شاهدشاهی ایران با درس ذیل از دی سکری تانر اکسچانج ایجینتد (۱۶ تکن حوس نارد لندن)

The Securities Exchange Limited
16A, TOKENHOUSE YARD, BANK
LONDON.

۱۰۰۰۰۰۰

مکتوب یکی از فضیلائی نامدار

عمره شعبان ۱۳۲۱

مؤید الاسلاما - لازالت مؤیداً مادامت مؤیداً - از مطالعه مکتوب عراق حرب مندرجه صفحه (۱۲) جلد یازدهم مورخه (۱۱) شعبان سنه (۱۳۲۱) شراری مجسم افروخت که تن و روان را جله سوخت - اگرچه اعلیحضرت سلطان خردمند دیندار بیدار مغز دولت علیه اسلامیه همایه نصره الله تعالی بنصره العزیز و صان دولتیه عن الآفات و التهزیز و رحال دانشمند کاردان آن دولت قوی شوکت اعتنا بآن منخرفات لاطمایل پهبوده فرموده اند و بطالانش بر ایشان واضح و آشکار بوده و هست - ولی قرائن چند که شاهد کافی بر خلاف واقع بودنش نظر آمده عرض مینماید امید است درج در نامه مقدسه فرمائید (۱) ایضا ذبانه مگر حضرات مقدسه علمای اعلام از هیچ مقدس اسلام روی گردانیده که بر خلاف

سلطان سلام و مسلمین و حامی حوزه دین مبین و مروج ملت سید المرسلین باتباع و اشباع خود امر باعانت و رعایت جانب حکما و دشمنان ملت و دین و آئین خود نموده - خویشتن را بمذاب ابدی و عقاب سرمدی اندازند؟ پناه می ریم بخدا از نهمت رافقوا باساطین دین مبین

(۲) آیا گمان میرود علما از احوال مسلمانانیکه در بلاد اجانب اند و یا در (اندلس) یعنی اسپانیا که مساحد شان را اصطبل و کتابخانه شهر نموده نفوسشان را با شغال ردیله مثل انسانی و بیب خلا روی و غیره وا داشته از حیوانات دایم بر دارند خبر باشند؟ که احدی را قدرت ادای فریض و - رحمت انعمی خود نیست که اگر شرح تمام آنها نگاشته آید مورت تطویل است یا از آزادی (مصر) که فرمانفرمایش مسلمانست بچوبند که بمحض مداخله بجای اجانب سلب حریت و آزادی دین از مسلمانان گردید. باوجودیکه رعایا مسلمان خدیو

مسئله فوج محمدی و هنوز از ممالک اسلامی در شمارست چندی قبل مؤذن بالای مناره اذان میگفت یکی از اجنبیان محض مخالفت دینی هدی گلوله تفنگش نموده بر قصبه شهیدش ساخت - حکومت هم محض پاسداری اجاب قصاص نداشت نمود یا از جویهای خون مسامین که در روم یا - یونان - کریت - مقدونیا - و سایر افریقا و سبذ و غیره جاری است ذاهل شده اند که محض عداوت دین بنام بلذیک و سیاست و انتظام ملک از جان و مال بلکه دین و ایمان آن بچاره گان اثری نماند است ؟

(۳) مگر اطلاع از قانون اجاب ندارند که ناچار اطوع و احتیاج یا کره و احبار جگر گوشه ایشان را بدارس عمومی برده باسم ربیب و تعالیم از مابیت و آئین شان منحرف بکنش خود میارند

(۴) مگر از ممالک اسلام که در تصرف اجاب آمده بچربند که با بزرگان و علما و پیشوایان شان چگونه سلوک شده بهانه بایندی بقانون در ایذا و اضرار و هتک حرمت خود و ناموس شان بیچوجه خود داری روا نمیدارند ؟ بلکه چون علما را مسموع الکلمه میدانند زیاده از هر کس در پی صدمه و بذاء ایشان برآمده بهائهای عدیده جنایات متعدده بر ایشان وارد و انواع مذتهاکرتار و روانه دارالقرارشان میسازند ؟

(۵) مگر از محدود شدن ملک اسلامی و ضعف اسلام آگاه نیستند و نمیدانند که غیر از این دو سلطان عظیم الشان مصر و ممالک علی سایر الممالک والادیان - اورث اعدائهم النکال والخذلان در تمام ربیع مسکون هیچ دولت اسلام باقی نمانده بعضی امارت های کوچک هم که با باقی مانده رفته رفته زیر حمایت بلکه سلطنت خود در آورده اند کاش این در دولت جاوید مدب را آسوده میکناشتند بلکه بجهت عداوت و دشمنی که ادین اسلام دارند از هر سمت متفقاً روی بهم این دو دولت اسلامی آورده تا دین اسلام را بالمره مضمحل و تباه سازند - هر دانی ظهیر که از اوضاع این قرن اخیر که شر القرونش باید

حلوله آگاه باشند میدانند فرض قبول اجنبیه جز هوو نابود کردن شریعت فراهم محمدی هیچ نیست چون بای دولتین عاتین اسلامیتین عثمانیه یا ایرانیه بمان آید با وجود کمال مخالفت و شدت ضدیت که با یکدیگر دارند ترك خلاف نموده متفقاً روی بدیشان آورده چنانچه در مقدمه کریت و تسالیا و رومانیا و بلغارستان و غیره ثابت شده و معامله مقدونیا هنوز انجام نیساته باید دید تا چه اندازه تکالیف شاقه بدولت علیه خواهند کرد - آخر یا قبول یا از راه ناچاری دفاع را آماده شود آنا آن بزرگواران ملاحظه اتفاق روس و انگلیس و آلمان و استریا و اتالی و فرانس را بنام ضدیت و مخالفت که با یکدیگر دارند نمیکند که هم رأی و هم زبان حامی و طرفدار اهالی سرکش یاغی طامخی مقدونیا شده در مخالفت با دولت عثمانی سحت می ایستند - چون بر همه واضح است اضرار دشمنان و نیز میدانند که خطای نخواستی هرگاه اندک صدمه بیکی از این دو سلطنت اسلامی وارد آید همان قدر از روح قدسی اسلامی کاسته بر کفر خواهد افزود - آیا تصور می شود در چنین حال بچنین امری علما اقدام فرمایند ؟ حاشا ثم حاشا

(۶) علما ای اعلام هرگز این آیه وافی هدایه را فراموش نفرموده اند که هیچ صریح از دوستی و موالات با اجاب است (یا ایها الذین آمنوا لا تخذوا عدوی وعدوکم اولیاء تلفون الیهم بالموودة و قد کفروا بما جائکم من الحق) و از معنی آن هر آینه قائل نمیشاند

(۷) چگونه میتواند روا دارند مشاهده مشرفه که بمنزله معابد و محل خدا پرستی ایشانست جولانگاه اسپان اجاب شده و جاهائیرا که بوسه میدهند و سر میسایند لگد کوب خارجیان گردد

(۸) العیاذ بالله اگر از دینداری هم بگذریم دنیا داریم مقتضی این نیست که علما اقتدار و مرجعیت غیر محدود خود را بذلت و احتفا و گنای بدل کنند (۹) بر فرض حال حضرات علماء اعلام چنین نمودند مقلدین و پیروهایشان چگونه اطاعت خواهند نمود -

زیرا که عوام الناس محض آن متابعت ایشانرا فرض میدانند که براه نجات و فلاح و رستگاری. دلالتشان فرموده. از بزکاتشان خلاص کنند - هرگاه برعکس آن بطریق هلاک و بوار و خروج از بدین و اتساق با کفار امر نمایند هرگز متابعت ایشان نخواهند نمود بلکه هجوم کرده نیست و نا بودشان خواهند ساخت

(۱۰) دولت علیه عثمانیه نیکوتر میدانند که از صدر اسلام تاکنون از حضرات علمای اعلام امری که باعث اهتک تهاوی بدین باشد سر نزده و همیشه در خلا و بلاد مشغول بارشاد عوام و ترویج مکت حضرت خیرالانام علیه السلام بوده اند (باقی دارد)

مکتوب یکی از فضایی ایران

۱۰ شعبان سنه ۱۳۲۱

مؤیدالاسلاما منقوله از مندرجات حریده روس و نکته چینی آنها در القاء اختلاف بین مسلمین و جوبه حسابی که فصل الخطاب در جواب بود و اعتراضات متأسفانه بر تقصیر افراد اسلام و تصور علماء اعلام در تأدیه وظایف خود در روزنامه مقدس. معالیه شد ابدك الله وحشرك مع المرابطين فی سبيله -

بلی در مقاله قبل باین اعتراض اشاره و جواب را به نمرقآنیه حواله کرده بودم - بواسطه ابتلاآت و عروض تب و اوجاع عتلمه شدیدة تأخیر اقتصاد - لیکن چون حاصل بیست ساله تحصیل ایام عمر محصولش را خدمت بهیئت اسلامیة و حفظ مصالح عامه دیدم و امروز طریق منحصر بروزنامه مقدس که اسان ناطق ملت و داعی انچه کلمه اسلامیت است در ثابت اشتداد تب زحمت میدهم -

در توضیح این مسئله برای اهل حل و عقدعات تقصیر و جبهه تصور طرفین واضح - و باعث اختلاف نگه و شقاق بین دولت و ملت از کدام ناحیه بوده لایح حوامد گردید - در قضیه دخانیة و آن انقلاب کلیه که هیئت علیه قوم و لویه پریشان آمده بود - هر چند تسدید ارکان دولت بها کرده اند بهر نظر اجانب سکنه در

ارکان سلطنت مستغله ایران وارد آورد - تا اینکه خان آقاز و نتایج خیانتهای خود را مشاهده کرده بکمال عجزه بتوسط جعی از همجیانان خویش پاره از عالم سورتان طهران را اقناع و بمواعید فریب داده هیئت مجموعه را متفرق ساخت -

بر اهل بصیرت پوشیده نیست که اگر علماء طهران در آن انقلاب ملت و اضطراب دولت بدسایس خان قنیع نمی شدند همه قسم مقدرت و نفوذ در شایع یا محدود داشتن تصرفات او و حفظ مصالح ملت و دولت داشتند مرحوم میرزای شیرازی طاب الله ثراه بملاحظه حفظ حدود اسلامیة جبر کسر استقلال سلطنت را رعایت فرموده تا رخنه برای اجانب در القاء شقاق و نفاق بین دولت و ملت باز نشود تجدید مطلع فرمود - و مکرر در پرده میفرمود. فساد اهل خانه باعث تضییع حقوق اهالی خانه گردید -

بلی تصور علماء نمایان طهران در آن موقع موجب مفاسد کلیه و اول نتیجه اش بخودشان باید که هر روز یکی از اشیاء و امثال آنها را در قبالتان ترویج و القاء شقاق و نفاق کرده و متدرجاً نفوذ آنها را قطع و در انظار بی وقع شان نموده و کار بجان کشید که این الساطان در مجالس خود چهار آس علماء را که در حد کفر است زبان جاری میکرد - و جباهه اجلاف اطرافش مثل . . . و . . . و . . . که اسم هر يك مذکور خواهد شد تصدیق و تحسین میگفتند و در محافل انتشار میدادند

از طرفی اراذل و اوباش و اشرار را برای حکومت اختیار و استیلاء بر رعیت که ودیعه حضرت حقند داده تمام قوای ملت را بحس و مال و عرض شانرا بیاد داد و تمام این شایع را نسبت بشاه شهید میداد از طرف دیگر ابواب ترقی و معارف را بر وی ملت بیچاره مسدود نمود که در مقام حفظ حدود خود بر نیایند بعد از تغییر سلطنت بواسطه بروز خیانات او اقله از ککار و ازاله از دربار و تبعید به قم و رجوع امور

بجناب حاجی امین الدوله شد - اقدامات سریع و مساعی
جمله مظلوم در تشدید ارکان سلطنت و تسدید حقوق
ملت و افتتاح ابواب معارف و ترقیات و انسداد طرق
خیانات جماعه که شیعه آل زال و اهل خلوت و
جلوت و ما اء هم مشرب و خیال بودند که نه قائل
ببید، نه معتقد بمعادند. ورعیت را مثل اماء و عبید خود
میدانستند دست تعدی را مقطوع و ابواب خیانت را
مسدود دیده بهیچان آمدند خصوصاً که از
بدات عمر و ایام صباوت و شباب رئیس معروف فجار
و آنچه از فسوق و فواحش و منہیات و محرمات الهیه
در تمام کتب سماویہ نام رده شده ارتکاب آنها را در
قایة القصوای شعار داشنه و دارد - و یک رشته کارش
قرار که قصر شمیران یکی از آن است و شعبه دیگرش
وقاحت و هتاک هر کس با او طرف حساب شده تا
سلامت عرضش را منضم دانسته - مایهرا و اگذار نماید
میدان تعدی و نفلس عرض و حق از احرت حامی تا
پیشکاری ولات و حکام صرف اطر از هیچکدام نکرده -
شاهزاده مؤید الدوله را در یکسال پیشکاری از آب و
عقار بری و بخت مذاتش نشاید - و هکذا مرحوم
رکن الدوله را

عمده کارش در مجالس شبانه امین السلطان که حالی
از بیگانه و سرگرم باده و دلش مشغول امر د ساده بود
و مهر بنفش شاهد عیاس و هر آئی در آغوش حریفی
انس میگرفت - و تا طهر روز دیگر دست بدست
میگشت - بعد و اندازه ابلاغ مواحب و مرسوم و احکام
در طرد و ببید و نهب و تصرف اموال و هتک
اعراض امانی اسلام بحکام صادر میشد - گویا این
مجالس شبانه امین السلطان برای و برانی ملک و ملت
ایرن تأسیس شده بود - کوچک تر کار او از برکت
این محافل اصدار فرمان محمول حالسه (چنانوان) که
محل علیق تویخانه حراسان و دو کروور تومان ارزش
داشت گردید - بعد از اطلاع و در امور خارجه
مکرر توقیف این فرمان را در دفتر ابلاغ کرد، مفید

نیوقناد - هفت سالست همساله باسم خود بخاران
ملکی را تصرف و خانوادها را ویران میکند - حق برای
تصاحب نمودن املاک اولیاء آستانه حضرت رضویه
دهان باز کرده و در واقع مملکتی را باضطراب انداخته و
مصدق فرمایش حضرت اقدس نبوی بمعرض ظهور
رسیده که (اذا بلغ ال ابی الوزع الخ) (باقی دارد)

مکتوب بوشهر

(۷ رمضان سنه ۱۳۲۱)

یوم یکشنبه ۲۵ شعبان (۱۳۲۱) قبل از ظهر
جناب مستطاب آقای علاء الدوله فرما فرمای
مملکت فارس با اردوی کبوان شکوه تشریف فرمای
(بهمنی) که دو فرسنگی بوشهر است شده - در عمارت
جناب مدحت الدوله حاجی محمد مهدی ملک التحصار که
برای آسایش ایشان تهیه شده بود نزول اجلال
فرموده غالب بستگانشان نیز مانند آقای سهم الدوله
رئیس قشون فارس که فرزند ارجمند ایشانند با سائر
محترمین از ملتزمین رکاب در همان عمارت منزل نمودند
و ضرب خیمام با احتشام در قرب خانه جای
بسیار با صفائی رده شد اگرچه سواره و سرباز و
تویچی و غیره چندان نیست ولی اردوی بسیار منظم با
شکوهی است در انتظام ایالت پناهی همین نکته کافی است
با آنکه ده هزار نفر در رکاب ایشان است صدا
از احدی بلند نمیشود و مردم در کمال آسایش اند
عصر یکشنبه بیست و پنجم جناب (سرآرنا هاردرنج)
سفیر انگلیس مقیم طهران از طریق شیخ وارد بوشهر
شده در بالیوز خانه خودشان نزول نموده بعد از دو
سه ساعت سوار کشتی مخصوص شده روانه بجناب
مسقط گردیدند

جناب مستطاب سالار معظم پس از
پذیرائی ورود ایالت فارس در شب دوشنبه ۲۶ شعبان
در کشتی پرسپلیس سوار برای استقبال و پذیرائی
فرما فرمای هند بجناب بندر عباس حرکت فرمودند
در غیاب سالار معظم دقیق و دقیق مهام بلدیہ با جناب

مزمالمالك نایب الحکومه کل بنادر و جناب آقا میرزا علی خان مستوفی وزیر مالیه است در انجام امور دولتی و ملکی اقدامات لازمه مینمایند
 برخی را گمان این بود که بعد از ورود اردو اوزاق در پوشهر ترقی خواهد کرد خاصه گوشت و روغن ولی ایالت جبلیه فارس از حسن مراقبت و ماقبت یعنی که در کارها دارند علاج واقعه را قبل از ورود فرموده از توابع فارس روغن و گوسفند طلب کرده بودند چنانچه دو روز قبل بانصد رأس گوسفند بقصابان داده شد حق این است درین ایام ماه مبارک رمضان مراقبات ایالت جبلیه فارس و ورث دما گونی طامه گردید

موقرالذوله که دو سال قبل جنرل قولسل بمبئی بود بکار گذاری پوشهر مأمور گردید

مکتوب از کربلا

(۲۵ شعبان سنه ۱۳۲۱)

اخبارات این نواح قسمی است که اطلاع دارید - در این اوان معاندت سختی در دو قبیله عرب که یکی (شمر) و ثانی (عزیزه) است پیدا شده - اسباب زحمت دوات را فراهم آورده اند - در این روزها از طرفین تدارک حرب دیده دو هزار نفر از طایفه عزیزه و بانصد نفر از (شمر) بهم رسیدند ما هم سوار کالسکه بودیم ولی چون نزاع بین آنها هنوز واقع نشده و یکساعت دیگر طول داشت سلامت گذشتیم امروز خبر رسید که زد و خوردی بین آنها شده افواها هشت نفر از طرفین بقتل رسیدند - چند کالسکه که بعد از ما از کربلا برای کاظمین میرفت آنها را غارت کرده اند از جمله يك نفر یهودی مبلغ زیادی لیره همراه داشته بغارت رفته است یهودی خواسته دست و پا می کنند دو زخم منکر باو زده اند - قریب بهلاکت است شکایت کرده اند از طرف والی چند نفر عسکر مأمور شده بودند بلکه دزدان را دستگیر نمایند یهودی اگر قریب بگردن نیوه لیره ها را از خود جدا نمیکرد

یکی از همراهان که این حال را دید گفت همت این است که ما داریم معادن روح مملکت که از خرمها طلا بالا راست بدست خود بلکه با هزار گونه تمناق بدزدان خارجی میسپاریم و هیچ خم با بروهان نمی آمد
 شب مولود حضرت اسدالله الغالب علی ابن ابوطالب علیه السلام تمام سخن مطهر را با چراغهای الوان چراغان نموده و هر کس در محل خود تزئین کرده اسباب زینت فراهم آورده و مشغول ذکر صلوات و زیارت بودند ولی افسوس که تمام چراغها از حس بلور خارجه و تمام روغن کاسیت و شمع آنها از ناطوم و لندن است قبل از این تمام شمع دستکار مسلمانان بود حال چراغهای سخن همه روغن کاسیت است

مکتوب از سامره

(۲۰ شعبان سنه ۱۳۲۱)

اخبارات این بلد را بجهت اینکه در گوشه واقع شده و پست صحیح نیست همه وقت نمیتوانم نگاهت وجود علماء اعلام در هر جا که باشند منشأ و منبع نور و فیض اند
 جناب مستطاب حجة الاسلام آقا سید زین العابدین امام جمعه طهران ادام الله ظله العالی وارثه ابره شده چند روز قبل در حین عبور که میخواهید به حرم مطهر مشرف شوند جلو سخن مبارک جمعی از کسبه (که میدانید هیچ وقت در فید حلال و حرام نمیباشند خصوصاً کسبه اماکن متبرکه) سکوها ساخته دکان چیده و چند صریش هم روی سکوها زده بودند که به همین زودی خیال ساختن دکان داشتند چون زمین های آنجا همه وقف است حضرت امام علیه السلام حکم فرمود خراب کردند هر قدر الحاح شد که مهلت دهند تا جائی برای خود تهیه کنند قبول نشد فرمودند حکم خدا واجب است و نباید قوت شود - ولی کسبه خیال داشتند که اجماعاً بتقویت زمین بلده و حکومت طامع شوند این است شرط دین داری و

یت باید دید بعدها باز آنجا را مثل اول کسبه
بصرف میآورند یا نه ؟

تکرات

(۱۴ رمضان - ۴ دسمبر)

§ بلندی نرخ پنبه در امریکا بازار منچستر ولوربول
را نیز بالا برده است - اگر تخمینه حاصل پنبه قسمی
که امریکائیان اعلان داده صحیح باشد این موسم
کارخانجات (انگلستان) کاملاً دثر نخواهد گشت

§ هیئت که از لندن در پاریس و سایر بلاد فرانسه
رفته بودند همه جا احترامات شایان از ایشان شده
و نطقهای مؤثر در مجالس مهمانی از طرفین داده شده است
(۱۵ رمضان - ۵ دسمبر)

§ بازار پنبه نیویارک مثل سابق گرم است و از
اطراف و اکناف برآید، هراج قیمت زیاد میرسد
§ مخبر (روتر) از (پکن) خبر میدهد که رسماً
اعلانی شایع شده که کیسیون ریاست (چینگ) و
(یانشیکائو) و یکی از افسران (منچو) برای انتظام
قشون چین که بیک وضع و یک نظام باشند مقرر شده
دولت چین (یانشیکائو) را بر بابت کل قشون بری
و بحری منتخب نموده است

§ اخبار (استردرد) می نویسد که اینک موقع آن
رسیده که ژاپون پیشقدمی روس را جلو گیرد چه برای
ژاپون موممی ازین نیکوتر مشکل بدست آید - اخبار
مزبور می نویسد اگرچه اسباب و وسائل جنگ برای
روس بسیار است - ولی د هر صورت غلبه ژاپون در
اقصای شرق بر روس از مسلمات است

(۱۶ رمضان - ۶ دسمبر)

§ نرخ پنبه در نیویارک قدری تزل کرده - و بازار
بگرمی اول بیست (روتر) از شنکائی خبر میدهد که
امسال زراعت پنبه چین بسیار خوب شده است

§ مخبر (روتر) از (پکن) مینویسد که پرنس چنگ
و سائر افسران چینی از پیشقدمی دولت انگلیس در
تبت مشوشند چه عقیده آنها در اقدامات قشون
انگلیس پیشقدمی بجانب چین است - ولی ابدان سر
نشده اعلانی را که چین منساب نظام قشون داده

منی بر چه امر است.

§ عقده مشرق الاقصی بهمان قسمها لایحل و صحیح
سیاسون مغرب منتظر انعقاد پارلمان ژاپون اند - که
بتاریخ هشتم شخصاً اعلیحضرت (میکادو) پادشاه
با دانش و سیاست ژاپون افتتاح خواهد فرمود
§ وزیر مالیه روس (مسیو پاسکی) سخت علیل
وازین رو از عهده خویش استعما خواهد نمود
(۱۷ رمضان - ۷ دسمبر)

§ یکی از سرداران ایتالی پادسته قشون در ساحل
(دربو) که در خاک سوعالی و حکومت مستقله است
وارد شده خواست بیرق دولت ایتالی را در آنجا بلند
نماید حکومت محایه انکار نموده که بدون رسیدن حکم
از (دربو) اجازه نتواند داد - افسر ایتالیائی دوساعت
مهلت داده سپس شروع بشلیک نمود - از قلعه نیز
جواب او را داده بیک تیر افسر مزبور از پای در
آمده همراهانش خود را در کشتی (کالیو) رسانیده
بجانب عدن رهسپار شدند - نقش افسر خود را در
عدن دفن خواهند نمود

§ از تقریر (مسیو کالوته) در شورای (هنگری)
اعضائیکه مخالف اجرای قوانین عسکری بودند
تسلیم شدند

§ دلی میل از پوشهر خبر یافته که علت پیاده نشدن
(لارد کرزن) فرمانفرمای هند در پوشهر با اینکه از
جانب دولت ایران تدارک شایان شده آن بود که در
ادای مراسم پذیرائی چنانچه شایسته شأن فرمانفرمای
هند بود نمایندگان ایران انکار نمودند

§ بموجب خبریکه از (باربره) رسیده بیروان
ملای متون (مادک) را بقبضه خود آورد

§ رئیس جمهوری دولت آنازونی (مستر روزبولت) صورت
معامله (پاما) را در مجلس شوری فرستاده و تبریک از
فیصله آن نموده - در آن اظهار داشته است که فیصله
(پاما) موافق عقل و دانش شد - ورنه اگر از روی
بیوقوری عمل شده بود علامت ضعف پیمان و مورث جرم
می شد - بواسطه رفع موانع تجارتن و دفع خرابی و
ظلم عملجات مطابق این فیصله کامیاب گردیده
منباب آسانی و سهولت در قوانین اجاره پانصد هزار
(دارل) لازم بصرف شد - در باب مسئله (الاسکا)

و وجود بهائی اظهار مسرت نموده که طرح از
دخا کم خواهد بود

§ مخبر (روتر) از (پکن) خبر میدهد که افتتاح
پارلمان ژاپون تادم شهر جاری ملتوی گردید
(۱۸ رمضان - ۸ دسمبر)

§ مجلس شورای (ترانسوال) افتتاح شد - از اعضای
شوری ظاهراً سوال شود که در ماده فراهم نمودن
همجبات چه گونه تدارک شده است

§ حکمران صوبه بمبئی (لارڈ لنگتن) شنبه
(۱۲) دسمبر با کشتی پست وارد بمبئی - و علی‌الرسم
پذیرائی از ایشان خواهد شد - و خطابه خیر مقدم از
جانب اداره بلدیہ تقدیم خواهند نمود

§ مخبر (روتر) از (پکن) خبر میدهد که در حلقه
سرداران چینی چنان زحمت است که دولت مشارالها را
اراده بر این است که معاهده جدیدی در ماده منجوریا
با روس نموده - دولت روس را بحکومت آنصوبه تسلیم
نماید - و از روی معاهده جدید بعضی اصلاحات که
سابق دولت روس خواهش نموده بود در ماده آزادی
منجوریا داده خواهد شد - فقط برای نام سرپرستی
چین در آن صوب تسلیم خواهد گردید - میگویند دولت
چین این خیال را از قبل اختلاف با ژاپون داشته است
§ مخبر (روتر) از (پکن) خبر میدهد که بموجب
تلگرافیکه از (پترسبرگ) رسیده (کونت لسدروف)
وزیر خارجه روس دیروز وارد - و جواب اعتراضات
و خواهشات ژاپون را نزد خود دارد اهالی ژاپون
خیلی منتظر جواب دولت روس اند

(۱۹ رمضان - ۹ دسمبر)

§ هر روز و هر ساعت روزنامهجات منتظر جواب
روس بژاپونند - بموجب خبریکه از (پترسبرگ) اخبار
نیواریک یافته از جوابیکه دولت روس بژاپون دهنده
نکات غفیفظاهر خواهد شد - هرگاه دولت ژاپون
شرایط روس را تسلیم نماید دولت روس نیز حقوق
ژاپون را در گوریا منظور خواهد نمود - در جواب
روس آزادی تجارت گوریا تسلیم شد - ولی درباره
منجوریا هیچ سخن نوانده است

§ قوسلد امریکا در (الکسندوستا) در حفظ یکی
از بانایه که از راهای پای بود اقدام کرد - پامیس اعتمانه

نموده اورا گرفتار و حبس نموده است - ازین رو قوسلد
امریکا مکدر شده بیرق خود را پائین آورده بطرف
بیروت حرکت کرده است - سفیر امریکا از بانعالی جواب
طلب نموده است

§ مخبر (روتر) از (تیکو) خبر میدهد که سه
فرورند کشتیهای جنگی روس که یکی از آنان دارای
هشت جهازات کوچک است بران نگاهداری مدیت و
منع از گشودن بندر (یانکا مو) در تجارت عمومی
به (چامو) وارد شده اند

§ افواه است که دولت روس امارت (تری) را
متنبه نموده که اگر با مساعده روس هرام نه نماید
سه هزار قشون خود را در (سیول) پای تخت (گوریا)
خواهد فرستاد

§ بموجب خبریکه باسلامبول رسیده مجدراً جمعی از
اشرار باغار از سرحد (ادو یا بول) ز قرب (دوشق)
گذشته بر قلعه عثمانیا حمله آورده اند بعد از آنکه
قصابان زیاد دیده عقب نشسته فرار نمودند

§ در چینیکه ملای سومالی اد بحاجت (دمب) - رکن
مینمود جنگی پیش آمده سی نفر از همراهان او قتل
رسیده اند

(۲۰ رمضان - ۱۰ دسمبر)

§ روزنامه طمس لندن از (تیکو) خبر میدهد که بعد
از رسیدن کشتیهای روس در (چامو) (۱۹)
در محبت امپراطور روس با پادشاه گوریا وقت نموده
تأکید در نگشودن بندر (یانکا مو) برای تجارت
عامه نموده است

§ مخبر (روتر) از (پکن) خبر میدهد که مکلی
است دولت روس جواب ژاپون را بطریق خاطر
خواه بدهد و چنان تصور میشود که ناوقت روس
در جواب ژاپون ملائمت نماید پارلمان ژاپون قبول این
معنی را نخواهد نمود

§ هیئت مخصوصی منتخب شده اند که دولت ژاپون
را در سختی خواهشات از روس نرم نمایند ولی گاهی
آنها مشکل است - افواه است که دولت ژاپون مدعی
از خواهشات خود عقب نخواهد نشست

§ مخبر (روتر) از (تیکو) خبر میدهد که برطور
ژاپون هیئتی را از ورا طلب نموده در معاملات

شرق اقصی اظهار داشته است که سفرای ژاپون در حفظ امنیت ساعی اند و حقوق و فوائد ژاپون را نیز از نظر دقت دور نمدارند

§ بموجب تلگرافیکه از عدن رسیده (کپتان گوت) بر جماعتی از پیروان ملای سوماتی حمله نموده پس از آنیکه بیست نفر آن را بقتل رسانیده متشرشان ساخته است

§ در پنج برمه ا سال نسبت بسنه طاضیه سی در صد اضافه است و تخمین حاصل (۴۵۵۶۰۰۰) تن میباشد

(۲۱ رمضان - ۱۱ دسمبر)

§ بموجب تلگرافیکه از (توکیو) رسیده اعضای شورای ژاپون علی العموم جوابیکه از طرف روس داده شده بود ملاحظه نموده - ملامت زیاد از وزراء دربار و اولیاء امور جمهور نموده که بدون جهت تملل در کار کرده وقت را گذرانیده موقع را از دست میدهند چه از آن جواب هیچ ظاهر نمی شود مگر شکر گذاری از بادشاه

§ (کونت وانت بلو) در شورای برلن اظهار داشته که دولت آلمان از جمیع دول تعلق خود را در معاملات منجوریا کم تر ظاهر داشته - ولی آنچه ظاهر می شود تمام اینمشکلات سیاسی بواسطه عدم اظهار تعلق دولت آلمان در منجوریا پیش آمده - درین صورت اگر دولت آلمان خود را شریک در معاملات منجوریا نماید بعید از مناسبت وقت و سیاست نخواهد بود

مکتوب از بوشهر

۱۴ و ۱۵ رمضان ۱۳۲۱

الخبارات این شهر بسیار است نه بنده وقت نوشتن دارم نه بطریق یقین میتوان گفت که جمله مجموعات صدق است - اینقدر که خود دیده عرض می نماید

یکساعت از یوم چهارشنبه دوازدهم رمضان گذشته جناب لاردرکوزن فرما فرمایند باهفت فروند کتشیهای جنگی که دو از آن هماره در بوشهر ساحلو اند وارد لنکرگاه شده یک ساعت بعد جناب سالار معظم با کتشی جنگی (یرسیایس) روانه بجانب ایشان شدند - اهالی همه در انتظار ورود فرما فرمایند و جمیع ادارات تجارتنی خارجه و رعایای انگلیس بریاهای

خاتمه خود بیرونی انگلیس را افرایشه اسبابی بخرافه پیچیده بودند - تا ساعت معین که روز نامها اعلان دادند بودند (لاردر) پیاده نشد - چنین تصور نمودند که بعد از نهار پیاده خواهند شد - از آنهم گذشت - چنان تصور می شد که برای شام بخاک خواهند آمد - چه بیست روز است رجال دولت علیه تدارک دیده و اشخاص بزرگ محترم مانند جناب علامه الدوله سردار فرما فرمای تدارک فاس و جناب سالار معظم حکمران خلیج و سایر صاحب منصبان لشکری و کشوری در ترتیبات مجلس و پذیرتی ورود ایشان زحمتها کشیده اند خلاصه برای شامهم پیاده نشدند

ولی از حین ورود تا عصر وزیر مختار انگلیس مقیم طهران و (کرنل کبل) بالیوز بوشهر چند مرتبه از نزد فرما فرمای هند بخاک آمده پیش فرما فرمای فارس رفته مشغول عماره با لندن و طهران شدند

آن روز عاقبت پیاده نشد چنان متصور بود که روز پنجشنبه پیاده خواهند گردید - روز پنجشنبه نیز بخاک نیامده قرب ظهر در بالیوزخانه انگلیس اسبابیکه که برای تشریفات ایشان پهن بود برچیدند - ازین معلوم شد که قصد پیاده شدن ندارند - تا اینکه نصف شب جمع بدون اینکه با فرما فرمای فارس ملاقات شود از لنکرگاه بوشهر حرکت نمودند - هنوز صراحتاً معلوم نیست که سبب چه وعات کدام امر شد - هرگاه بطریق و توفی معلوم نمود عرض خواهد کرد اگر چه میدانم فیه تأمل بل تأملات است

کلکته

جناب مستطاب . . . آقای مفخم السلطان وزیر مقیم و جنرال قونسل دولت عالیته ایران مقیم کلکته بساعت هفت شب چهارشنبه ۱۹ رمضان المبارک از بهی وارد ایستگاه هورا شدند باینکه بطریق غیر رسمی وارد و کسی را خبر نداده بودند - جماعتی از محترمین ایرانی و فارسی و غیره با استقبال شتافتند و در همان هماریه که سال گذشته توقف داشته قیام فرمودند

بهترین موسم کلکته این ایام است راجگان و نوابان و عماید و بزرگان از اطراف و اکناف وارد کلکته شده خیلی بر رونق این شهر شهر افزوده اند - قیمت جاتی در هراج مثل هفته گذشته رفت ولی جنساً مال تزل نموده است - شبته گذشته آغاز باسب ذوات موسی کلکت گردید

نوشته که برخلاف مترجمین با وی همراهی نمایند
 § خبر (روتز) از (توکيو) خبر میدهد که امروز
 اجوبه روس در ماده اعتراضات ژاپون رسیده - تا کنون
 افشاشده است - چون اعضای شورای ژاپون تبدیل
 شده اند تا اندازه این مسئله بسکوت میگذرد - انتخاب
 اعضای شورای ژاپون در یکم مارچ خواهد شد - از
 طرف دولت هم آثار مخالفت ظاهر نمی شود
 § تازکی بین دولتین آلمان و انگلیس برای دو سال
 مفاوله نامه تجارتی رد و بدل شده است
 (۲۳ رمضان - ۱۳ دسمبر)

§ (مسیو دلکاسی) وزیر خارجه فرانس در مجلس
 شورای فرانسه اظهار دلته که او را یقین کامل حاصل
 است سکه مناقشه دولتین روس و ژاپون بصلح انجام
 خواهد پذیرفت
 § از سندر (آرتهر) تلگرافی به (برلن) رسیده که
 اخبار (نوبوچ کرائی) این خبر را تردید میکند که
 دولت چین نییه قشون برای جنگ با روس می بندد -
 چه نییه دولت چین را در مقابل روس آشفتنگی قشون
 چین تکذیب میکند (یا انشیکائی) برای نگاهداری امنیت
 چین و حفظ خویش که دشمنان او را احاطه نموده اند
 قشون لازم دارد

§ امپراطور و امپراتریس آلمان دیروز طرف عصر
 بخر وارد (برلن) شده پاشای بازارگاه صناعتی را
 نمودند - اهالی از هر طرف با مسرت تمام بزنده باد پادشاه
 رطالالسان شدند چه از بعد عمل حراحی اولین
 مرحله بود که امپراطور به (برلن) آمده از آن بعد
 در تیاتر رفته در آنجا نیز اهالی بزنده باد پادشاه
 آوازه ها، مسرت در داهه آثار فرح و انبساط از
 جهره شان نمودار بود

§ (مسیو دلکاسی) وزیر خارجه فرانس در مجلس
 شوری اظهار داشته که تصرفات دولت فرانسه در (ماریکو)
 مبنی بر تسخیر خواهی و پابستهای منازعات خانگی خواهد بود
 § در مجلس وزرای ایتالی (سنور سلنتینی) خدمات

(کیتلان کابیت) را در قائم داشتن اتحاد بین دولتین ایتالیا
 و انگلیس مستوجب تمجید دانسته - وزیر بحری ایتالیا
 اظهار داشته است که قشون بحریمیا و انگلیس همیشه در
 بیکدیگر خواهند بود - ازین رو (کیتلان کابیت) برای دو
 این مسامی حمله تبریک و تمجید گفتند

§ خبر تبدیل اعضای شورای ژاپون به پترسبرگ
 رسیده این امر را دلیل بر صلح خواهی دولت ژاپون
 گرفته - روسها میگویند در تبدیل وزیرا - ژاپون
 کمال هوشیاری را نمود - چنین اعضای شورای ژاپون
 بحال ژاپون نبود

(۲۴ رمضان - ۱۴ دسمبر)
 § اخبار (نیورورمیا) از (ولادی دستاک) خبر
 میدهد که امیرالبحر (الکس آف) تا جنوری بحساب
 پترسبرگ نخواهد رفت

§ بتاريخ (۱۸) در (پریشوریا) کانفرنسی از اعضای
 جمیع ادارات تجارتی ترنسوال منعقد شده که بر آیین
 وزیر متصرفات منباب بازار بحث نمایند - و درین باب
 مجلس عمومی هم فراهم نموده که طامه نیز شرکت کنند
 § (بارون میاشی) جواب روس را بر ژاپون باین
 مشارالیه اظهار داشته است سکه من مبنی بر تبدیل
 خیالات هابقه خود ملاحظه نمی نمایم

§ امپراطور آلمان سرداران را دعا فرمود (ریچ استاک)
 طلب کرده من باب ضرورت تبدیل پتلیک و تریقی تجارت
 بنه را به متصرفات آلمان اظهار داشته اند

§ (لارد هاریس) که طرفدار جلب عملجات چینی
 برای افریقای جنوبی بود مورد اعتراضات شدید واقع
 گردیده است

§ (جنرل یس) که مخالف تاخت و حمله انگلرت
 جمهوری (کولمبیا) در (پیناما) بود ریاست جمهوری
 (کولمبیا) منتخب گردید

§ امروز جمعی زیاد در مجلس وزرا مجتمع شده گویا
 در معاملات انصای شرق بحث خواهند نمود

(۲۰ رمضان ۱۳۳۱ - ۲۰ سپتامبر)

بجانب خبریکه از (تیشون) به اخبار (نیویارک)

رسیده قشون بحرئی ژاپون در (تکفو) وارد شده که

نیوان بلوای هلهجاترا خودی هستند و بر اهالی (کورتا)

شلیک نموده جی را اسلاک ساخته اند

روزنامه طمس لندن خبر یافته که تام ژاپونی های

مقم خارجه که قابل جنگ اند بزایون طلب شده - ولی

سفر ژاپون مقیم لندن ازین معنی اظهار بی اطلاعی می نماید

مقدمه (لفتت چیلنگ) درباره قشون آلمان که

اهانت قشون را نموده بود امروز در (میتز) داتر

گردید - حکمنامه بموجب فصل (۱۶۸) جرم بر او ثابت

میدارد دو افسران دیگر که حالات (چیلنگ) را

ریورت نداده نیز گرفتار شده اند

اهالی لندن خیلی انتظار نتیجه اسناد مجلس

(لیویشام) و (دلویج) که مقابله مستر چیر این و دیوک

آف دیوشتر است می کنند - این مجلس فردا مسند

خواهد گردید - و در (آشپرن) و (لانو) نیز در

آینده همین قسم انضاد مجلس خواهند نمود

در (دلویج) داکتر (راترفورد هاریس) و یکی

از طرفداران مستر چیر این بوکالت (۱۸۳۷) آرا

منتخب گردیده

در (لیویشام) مستر (کوتس) با یک نفر از

طرفداران مستر چیر این از طرف (۲۰۱۲) رأی

وکیل منتخب شده اند

افزاه است که یکی از اهالی ایتالی افسر پلیس مسلح

مقدونیا منتخب خواهد شد

از وقتی که پادشاه سرویا قتل رسیده دولت انگلیس

از تصدیق پادشاه جدید انکار داده - دول سازه نیز

بیروی دولت انگلیس نموده نایندگان خود را طلب

و تا وقتیکه تاکنون عامه - قتل را پادشاه حلیه سزا

بمخمس خیران دولت مطودت نخواهند نمود

(نیویارک) افزاه است سفیر مولد اتانوف

در (سیول) - من باب گشودن دست در (سویا) مستر

جواب خواسته در بلوای (تکفو) حظه بفر قتل

رسیده اند

از انتخابیکه در (دلویج) و (لیویشام) شده

که یک گونه فتعیابی مستر چیر این ظاهر می شود

(۲۶ رمضان - ۱۶ سپتامبر)

اخبار (استندرد) در ماده مقابله مستر چیر این و

دیوک آف دیوشتر می نویسند که این هر دو بزرگ از

مسلک و مشرب وزراء حالیه بدون هراس حرکت

می نمایند خوب است آنچه کار روان میشود و اهالی هر

طرف مائل میگردند برای بهبودی ملک و مان باشد

نه فقط طرفداری مستر چیر این

بموجب تلگرافی که باسپار استندرد رسیده (جنرل

کراویری) که افسر قشون ایتالی در حکریت بود

به سرداری پلیس مسلح مقدونیا منتخب گردید

عبر (روتز) از (توکو) خبر میدهد که انضاد

مجلس شورئی از جمیع مدیرین ژاپون دیروز منعمد

شده که درباره اسبویه روس مشوره نمایند

نرخ کاغذات دولتی ژاپون همه روزه تنزل مینماید

امپراطور آستریا به ناینده اطارت (سرویا) در

(ویاه) حین ملاقات فرمودند که روابط دوستی دول

با اطارت سرویا در صورتی ممکن است که قاتلین شاه

مقتول را پادشاه حالیه از نزد خود دور دارد - این

خبر در بلنکرید هنگامه عظیمی برپا نموده است

(مستر چیر این) امروز در مقام (لید) دوره

خود را ختم نمود - و در حضور عامه بیان کرد که نقشه

را که منباب تبدیل گمرک پیش نموده بودید ظاهر میدارد

که شماها بر تمام مسائل تجاری هند و سایر مستملکات و

حکومات مستقلة دولت انگلیس اطلاع دارید لذا تدبیر

و خیال درستی پیش نمایند

مقدمه (لفتت چیلنگ) را که بحرم تومون

به قتل رسانیدند. سر عدالت یازده ماه حبس و آن دیگر را به قید محکوم نمود.

§ (کرنل هارنگتن) که بجانب حبش روانه شده از طریق روم خواهد رفت. و در آنجا در ماده چند مسئله بحث خواهد نمود.

§ اعضای شورای فرانسه مقابله نامه تجارنی دولت انگلیس را در باب سیلون - سیچل - هند و متصرفات مشرقی انگلیس در افریقا امضا نمودند.

§ دولت آستریا در ملاقات سفیر ایتالی تأکید در تجدید اتحاد بلاه فرموده و همراهی خودشان را در این خصوص اظهار داشته اند. و نیز اتفاق با روس را خاصه در معاملات باقان بیان فرموده اند.

§ فرقه (ماتانتاس) در (دماراند) مجددا بلوا نموده بر سپاهیان آلمان تاخت برده. نارودخانه (هارتابستی) آنها را عقب نشانده و یک افسر را مجروح کرده اند. پلیس (کیپ) از آن جانب رود خانه بر آنها شلیک نموده است.

(۲۷ رمضان. ۱۷ دسمبر)

§ خبری را مکه (استندرد) من باب تقرر جبرل (کریوری) به افسری پلیس مسلح مددویا نگاهه در (روم) تردید شده است.

§ یک کشتی جنگی آمریکا تحت حکم قونسل خود بجانب اسکندریه روانه شده است که در ماده شخص ارمنی که رعیت امریکا و پاپس گرفتار نموده بود تدارکات لازمه را معمول دارد. حکومت اسکندریه فوراً آن شخص ارمنی را مرخص کرد.

§ دولت آنازور کشتیهای جنگی خود را بجانب (کوریا) فرستاده که نیران بلوا را خودکی بخشند.

§ در شورای بلغاریا من باب ازدیاد قشون ذخیره بحث نمودند. با با عالی دولتین روس و آستریا را ازین حرکت امارت بلغار متنبه ساخته دولتین مشارالیه از حکومت بلغار جواب طلب نموده اند. و وزرای بلغار جواب داده اند. این اظهارات برای آنها آورده داشته

خیالات اهالی لازم است

مکتوب یکی از قردمندان وطن

۱۶ رمضان سنه ۱۳۲۱

§ ران پیش که از جام اجل مست شوی

زیر لکده حادنه ما بستید شوی *

§ سرمایه بدست آر درین ره سکاآجا

سودی نکند اگر نهدست زوی *

§ گر از پی شهوت و هوا خواهی رفت

ار من خبری که بینوا خواهی رفت *

§ بنگر چه کسی و از کجا آمده

میدان که چه میکنی کجا خواهی رفت *

حناب مؤیدالاسلام - از بس جنابالی در تصایح

رجال دوات و بیداری اولسای امور جمهور صرف وقت و خرج مقدرت فرموده اید هم اعضای نامه مقدسه خسته شده و هم قارئین این نامه ملی به تنگ آمده اند. هرگاه در هر سنه یازده سال با آن همه نواهای

مختلفه که شما خوانده جهادی را مخاطب ساخته بودید متحرک شده بود. ولی با کمال تأسف مرض نیکم که رجال دولت ایران (کالیل الذی لا یتحرك) از جای خود حرکت نکرده. و این همه صایح و مواعظ بر

قلوب قاصیه ایشان ذره اثر نه نموده است

زود میبخ آهنی بر سنگ

سقیه ارادتمند ازین و بعد باید عطف خامه ازین

فرقه نموده عنان توجه را بجانب ابقاظ و تقبه شاهزادگان عظام و رجال خاندان سلطنت کشید. چه

بزرگان گفته اند (مادر را دل سوزد - دایه بوله دامن)

این دایه گان مهربان تر از سادار. یعنی بیشتر از رجال

این دوره را که ماسی شناسیم از مقام پست و درجه پلندی

ارقا جسته - از ذلت یزوت رسیدند - و در هر دو صورت

خود به بر مسکت دولت و لطف لعمریه منبویه ملتفتند

بجای مغرور بنده اینک کس ازین جهات و این پیشانی

همه ازین سخنان از افعال ناشایست خود باز آیند -
 این است که با منتهای بی خیالی حرکاتشان فریاد میزند
 اگر رفت ایران بمن چه بمن چه
 اگر گشت ویران بمن چه بمن چه
 حق هم دارند چون از یسق به بلندی رسیده -
 و از ذلت بمرت روی آورده - هر قدر هبوط برای
 خود تصور نمایند باز هم از مقام آنانی و درجات اولیه
 خود خویششان را بالاتر خواهند یافت
 مثلاً میرزا علی اسفرخان از مقام صدارت ایران
 افتاد - و ظاهراً از عزت بذلت رسید - ولی چون ملاحظه
 حال آباء خود و مقام اولیه خویش را مینماید که
 افتخارشان بشراب فروشی بود در هر یسق باز خویش
 را در منتهای عزت خواهد دید - در حقیقت عزت هم
 برای اینگونه رجال عزتی میباشد - این است که در
 حرکات و حشیانه ملاحظه استقلال سلطنت را مینمایند -
 و نه بیم از اعتزال خود دارند - حتی در اضمحلال
 سلطنت و اندام دولت هم برای خود ذلتی مشاهده
 نمینمایند - چنانچه یکی ازین بزرگواران میسرود (ما بار
 خود را بار کرده ایم و لو دولت ایرانم از میان برود
 از مقام اولیه ما نخواهد کاست چه بالاتر از سیاهی
 رنگی نیست)

ولی شاهزادگان عظام و رجال حاندان سلطنت
 هرگز چنین تصورات را نتوانند نمود - چه هر قدر در
 اسلاف خود و مقامات اولیه خویش نظر اندازند مقام
 موجود خود را نازل تر ملاحظه خواهند نمود - چون
 عزت و احترام آنان بواسطه انتساب بخاندان سلطنت
 است - یقین میدانند هر قدر از مقام منبع سلطنت و اقتدار
 دولت کاسته شده از توقیر و بزرگی آنان خواهد کاست
 و اگر خدای ناخواسته دست خارجی بجهانب دولت
 دراز شود اول از استقلال و اقتدار و عزت و شوکت
 آنها کاسته خواهد شد - چه بیخ اقتدار و اصله سلطنت
 آمد - مسلم است هیچ فرقه در اضمحلال دولت مانند
 این سلسله در خطر نخواهند بود

پس امروزه اولین وظیفه شاهزادگان ایران است
 که در ابقای دولت و استقلال سلطنت بیش از همه کس
 سعی و اقدام نمایند - و آنچه سبب ضعف دولت و
 اضمحلال سلطنت است دفع دهند - و ملاحظه نمایند که
 دول دیگر چه چیز ترقی کرده و بکدام اسبابا بدین
 مقامات ارجند رسیده اند - و دولت قدیم قویم ایران
 که شهنشاه روی زمین بود چه علت بدین حال ضعف
 و ناتوانی افتاده - سعی نمایند که دست خائنین از دامان
 دولت قطع شود - که تمام مضرتش حلاً و مآلاً راجع
 و عاید بدانهاست

نگارنده دارای آن طلاقت لسان و عنایت بیان
 نیست که این سلسله جلیله را با حسن القول نصیحت و
 موعظت نموده تشویق و تخریب در نگاهداری استقلال
 سلطنت دهد - ولی برای تنبه و تذکر ایشان مثال
 زنده را در روزنامه (پسه اخبار) لاهور ملاحظه
 کرده ترجمه نموده برای در نامه مقدس میفرستم که
 ندارم که این واقعه عبرت انگیز برای بیداری و ایقان
 شاهزادگان عظام ایران کافی نباشد

اگرچه شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی در هفتصد
 سال قبل صورت این عنوان را در باره وزرا زادگان
 در يك رباعی بدین نغز نگارش داده

پسران وزیر بی دانش
 بگدائی پروستا رفتند
 روستا زادگان با فرهنگ
 بوزیری پادشا رفتند

ولی در نزد ما این سخنان قصه و حکایت بلکه از
 موهومات می نمود - ولی چون روزنامه مزبور را خوانده
 دیدم بالاتر از آنچه سعدی گفته بامم و رسم حی
 و موجود است - چون این مثال حی است احدی
 انگار نتواند کرد - خوب است در مقام عبرت ازین و بعد
 بجای رباعی سعدی این حکایت را ورد زبان نمایم - برای
 بصیرت قارئین مینویسم - نگارنده عنوان ذیل یکی از
 عزمین شاهزادگان گورکانیه و اینک با همان حالتیکه

ذکر شده در محل حق و موجود و شرح حال خویش را
 علی سبیل الاختصار نگاشته است

§ تا در هوس لعل لب و جام مئی

تا در پی آواز دف و جنگ و تی •

§ اینها همه حشو است خدا میداند

تا ترك تعلق نه سکنی هیچ تی •

• • •

§ برآمد و زار بر سر میزه گریخت

بی باده گلرنگ نمیشاید زیست •

§ این سبزه که امروز تماشاکه ماست

تا سبزه خاک مایه اشاکه سبکست •

• • •

(خیر خواه وطن - حبیب)

ترجمه پنداره اخبار لاهور

مطبوعه ۱۸ نومبر ۱۹۰۳

گدائی شاهزاده

من نوردیده و سرور سینه قریشیه بیکم دختر بلند
 اختر (وازگون طالع) ابو ظفر سراج الدین محمد بهادر
 شاه پادشاه دهام - در صباوت و عالم طفولیت به
 (صاحب عالم میرزا قمر سلطان بهادر) زبان زد و مخاطب
 بودم - ولی امروز روز جز فقر و مسکنت نام بردار
 نیستم - آروز از اقبال خود خورسند و سرور بودم -
 امروز هم بطالع خویش راضی و تسلیم - شب سمور
 گذشت و لب تنور هم در گذراست - از انقلاب دهر
 و گردش زمان بکه شکایت رود ؟

در مرکز حکمرانی و حرمانه سلطانی پای بر صفا
 وجود نهاده - از جنبیک چشم گشوده در جلو خود
 خدم و حشم صف آراسته و دست بسته دیدم - اندک که
 بهوش آمد عالم دیگر در نظر جلوه کرد - که امرای
 جلیل القدر و رؤسای خود مختار با اقتدار بیک اشاره
 انگشت سر از بالمشاخته بسویم دوان بودند - و در
 تصورشان چنان جلوه داشت که گویا خلقت و پیدایش
 من برای آن است که بچشم و سرم بردارند - احدی را

بخطرات خطور نمی نمود - که در این دنیای دون فلک
 حقه باز برای من قسم دیگر زندگی را نیز قسمت نموده
 است - های! قربان قدرت نائی قادر بی چون شوم که
 در یک صفحه هزار نقش و در یک پرده هزاران نگار
 بجلوه شهود می آورد - خروج دیده زوال هم یافتم -
 نشسته نژاد پادشاهی برده مزه گدائی را هم چشیدم - با
 اینکه هر یک ازین عوامل سر دیگری را تباعد بسیار و
 تباین پیشاوار بود همه را سیر نمودم

اگرچه حال من قابل این نبود - ولی انگلیسان
 رحم دل از خدا ترس کرده پنج رویه ماهانه برایم وظیفه
 مقرر نمودند - باز هم برای چهار روز (شاهزاده نظام
 پناه) شده بقدری وام دار گردیده که آن وظیفه
 نیز بملکیت قرض خواهان درآمد - از آن پس جز
 این چه چاره بود که بکد باین و صرق جین زحمت و
 محنت و مزدوری صکرده شکم پیچ پیچ بی هنر را
 پرورانده معاش خویش را بگذرانم - ولی شرم دامن گیر
 و برور شاهزادگی اسیر بودم - بدین جرم فلکم
 رنگ دیگر ریخت و سزای دیگرم در کنار نهاد - بی
 نور بر که چراغ راه همیشه است مرا وداع گفته
 گدای کورم ساخت - اول سبزه چه کنم تا انگشت
 گردانده منحیر بود - عاقبت بناچار کاسه گدای بدست
 گرفته در بوزگری را پیشه افکار خود ساخته در
 ظلمت شب بیرون آمده صدای (بده براه خدا) در داده
 بگدائی بقیه امام زندگانی را با آخر میرسانم

برخی از دوستانم گویند (میرزا) چرا روز
 بیرون نشوی جواب دهم - برادران درین حال نیز غیرت
 دامن گیر است - در شهریکه چون کوکبه جلال و دبده
 سواریم در هر محله گذشتی سلام میدادند - قلم راضی
 نمیشود - که روز روشن دست سؤال دراز نایم -
 این است جهلی از سر گذشتم زیاده چه بیان شود

ای بزرگان بخدا قسم این حکایت مصنوعی و
 فسانه فرضی نیست - این قصه میباشد واقعی و حکایتی

است حقیقی و عبرت انگیز که (میرزا قمر سلطان) سرور دل و نور دیده قریشیه بیگم هر شب در بازارهای دهلی صدایش بسؤال بلند است - آه جای سوختن دل ایجاب است که سؤال را هم با يك شأن و شوکت بپایند - نه در جای می‌ایستد - نه کسی را مخاطب می‌سازد - فقط يك آواز حزین پر شرمی بگوش می‌رسد که (خدایا يك یسنه آرد عطا کن) باین وضع جمیع بلوارهای دهلی را بر سه رده بمقام خویش باز می‌گردد من چند مرتبه در یسه اخبار و وکیل تحریک نموده و بطریق خاص توجه حکومت را بدین صوب مطوف داشته که از خیرات دربار دهلی حصه هم مابین گدایان تیموری بخش و اعطا شود. افسوس که هیچ عمر نداد و نتیجه نه بخشید

حکومت دهلی وعده داده که اگر نقشه ترتیب و فهرستی از شاهزادگان دهلی یعنی از کسانی که وظیفه برای آنها مقرر نشده و یا وظیفه شان از میان رفته مرتب شود. بحکومت هند تقدیم خواهد نمود - چنانچه با زحمت زیاد و محنت بسیار مرزا امیرالمملک صاحب ملوک معروف بمیرزا بلاقی صاحب نقشه مرتب و فهرستی ترتیب داده در همان ایام که دربار دهلی منعقد بود تقدیم نمود - ولی هزار افسوس که تقدیر جنگیز نژادان درین موقع نیز مساعدت نکرده تا امروز جوابه نرسیده است

(راقم حسن نظامی دهلوی مهتم توشه خانه حضرت محبوبه الهی)

مکتوبه یکی از فضلا

شهر رمضان ۱۳۰۱

اما آن للذین کفروا ان تخشع

قلوبهم لذكر الله

باید دانست که کفر در لغت وجود را گویند و وجود سرکش از امر مولی است - بنا بر این هر کس از امر مولی سرکش نباشد - ولو قبیل داخل در حزب کفار است

هر آنکو قافل از حق بگرمانت

در آندم کافر است اما نه است

اگر آن قافلی پیوسته بودی

در اسلام بروی بسته بودی

پس تنها اطلاق کفر بر منکرین توحید و بیعت نمیشود به مع کلام مجید هر کس از یکی از احکام شرع اطهر سرکش شده انکار نماید اطلاق کفر بر او خواهد شد - چنانچه در باره حج میفرماید (والله علی الناس حج الیت من استطاع الیه - بیلا و من صکر فان الله غنی عن العالمین) و نیز ترك شكر نعمت را کفر فرموده در آنجا که میفرماید (ان شکرتم لازیدنکم ولان کفرتم ان عذابى لشدید) و نیز فرماید (الم تر الى الذین بدلوا نعمه الله کفراً و احلوا قومهم دارالبوار)

از این آیت معلوم شد - چنانچه ایمان را در جاست

کفر را هم درکات و مراتبی است که هر کس اندکی تخلف

از فرمان مولى نماید بیکی از آنها واصل گردد - چنانکه

حضرت مقدس صادق آل رسول صلی الله علیه و آله

میفرماید (ما عصی الله من وحده) کسی که خدا را واحد

و یگانه بداند در آن حال نافرمانی او نخواهد نمود

عصیان و نافرمانی نمیشود مگر هنگامیکه پرده غفلت بر

قلب افتاده و صفات نبویه حضرت آفریدگار را از یاد

برده سمیع و بصیر بودن حق تعالی را از نظر محو دارد

و گرنه هرگز اقدام بمعصیت نخواهد نمود - نهایت اینست

که آن کفر لغوی را شدت و ضعف است چنانچه

کفران نعمت را که وضع آن در غیر موضوع باشد

کفر فرموده - و چون بدقت نظر کنیم خواهیم فهمید

که از تمام مراتب و درکات کفر بدتر است - زیرا اول

نعمتی که موجد حقیقی عطا فرموده نعمت وجود است

شکر از آن نه اینست که مانند سیب خاره و جام بشکم

خواری و مردم آزاری برداشته آن نعمت عظمی را

مهمل و معطل گذاریم - بلکه باید صرف اوامر و

اطاعت موجد و خدمت و یاری بنوع نایم - و نه خلقت

عبت و آفرینش مهمل خواطمند - و فعل حکیم علی

الاطلاق که متضمن حکمتهای بی شمار است عبت و لغو تصور خواهد شد - و هیچ کفر از این بالاتر نخواهد بود و از شرک اعظم است زیرا که شرک بخیال باطل خرد کاری میکند که موجب رضای معبودهای باطله اوست و ناسپاس باوجود علمش بدم رضا باصکه سخط معبود بکفران نعمت اقدام مینماید

گویا همدأ بمخالفت و جحود مولی قامت افراشته و بمیدان مبارزت ناخته است بدین جهت هروقت ذکر کفران نعمت در قرآن مجید فرموده - بنهید و توبیح و تحویف پرداخته مثل (ان عذابى اشدید) و (اسعوا فومهم دارالبوار) که گذشته از خود بقومشان هم سرایت نمود چنانچه مولوی سروده

بی ادب تنها نه خود را داشت بد
باصکه آتش در همه آفاق زد

این بی ادبی که عبارت از کفران نعمت باشد آفاق عالم را سوزانیده - و اقوام را بدارالبوار عذاب شدید گرفتار نموده و به تجربه و مس و عیان هم محقق شده که هر کس بمصیبت کفران و ناسپاسی حضرت منعم حقیقی پرداخت چنان آتشی افروخت که تمام خویش و بیگانه از شعله آن بسوخت

اندکی بدقت نظر در کردار میرزا علی اسفرخان امینالسلطان کرده ملاحظه شود که با آتش کفران و ناسپاسی جمیع ملک و ملت ایران را چنان سوزانیده که تا قرنها خواموش نتواند شد

مضى ماضى - مارا با گذشته کاری نیست اکنون تکلیف حالیه خود را باید دانست و بدان عمل نمود - تا از دارالبوار ناسپاسی نجات و بدارالامان شکر گذاری رهسپار شویم - و این محالست مگر اینکه افراد عباد از پادشاه و عاها و وزرا و امرا و ولات و حکام و سپهسالارین و اعیان و ارکان و سرباز و جمیع اهرات از لشکری و کشوری مجموعاً و مفرداً بوظیفه خود یعنی شکر گذاری و سپاسداری عمل نموده شکر صفهای موجوده را بجهت آنکه بلید و شاید ادا نمایند تا

بجسب وعده خداوند صادق که میفرماید (لان شکرتم لازیدنکم) مستوجب از دیاد نعماء و آلاء حضرت آفرینگار جلالت عظمت گردیم - و این مطلب هم معلوم است که شکر گذاری و سپاسداری اعلیحضرت ملوکه بزرگ دیگران مقدم و از همه اعلی و اعظم است چراصکه مالک رقاب برایا و نعمتش اعظم نعماء است چه قدرت و حشمت و شوکت و بسطت و فرمانروائی و حکمرایش بر تمامی عباد و بلاد مسلم و هر یک از این نعمها فی حد ذاته شکر است جداگانه - مگر آن است که شکر نعمت تنها سپاس بزرگان نیست بلکه صرفاً آن نعمت بمحل خودست - هرگاه در غیر محل صرفاً شود کفرانش گویند مثلاً شکر حکمرانی و فرمانروائی عدل و داد و تساوی بین عباد و انتصاف ضعیف از قوی و تقاسم مظلوم از ظالم و رسیدن براریض رطایا و ینوایان و رفع ظلم و تعدی از بیچارگان و اجرای قوانین عدل و احسان و نظم مملکت و حفظ حدود و ثغور و تأمین شوارع و طرق و آزادی رطایا در اعمال مشروعه و ترویج کسب و حرفت و صنعت و دفع زیادتى و اجحاف از فقرا و مساکین و قطع دست ستمگاران از ایشان و ارجاع خدمت باشعاس دیندار دولتخواه خردمند باکیاست و سیاست و بخشیدن القاب و رتبه باندازه خدمت و خیرخواهی و بذل و بخشش بمستحقین نه کردن کلفها که نه بکار دین میآیند نه دنیا و غیر ذلک (باقی دارد)

بقیه مکتوب اسلامبول

(از شماره ۱۵)

پس مارا لازم است که ابدأ خیالات غاصه نموده آنچه اصول قانون است مطابق قانون خدا بحکم حکم قرآن مجید عمل نمایم - و آنچه فروعات است چنانکه دیگران در اصول مقلد ما هستند مانیر در فروع تقلید ایشان حکیم دور نرویم - کتابائیکه دولت عثمانی با هراو زحمت به زبان ترکی ترجمه و ترتیب داده یا بزرگان فارسی ترجمه نموده بدست مأمورین بسپاریم - یکبار

در خیال سلطنت مشروطه باشند اقلاً یکقرن باید طی
 مراحل تمدن نمایند یعنی تربیت شده علم آموزند چنانکه
 از بدو جلوس اعلیحضرت سلطان عبدالحمید خان قاری
 بخت و هشت سال میگذرد در عصر این پادشاه ترقی
 خواه برای تعالیم و تربیت انانث و ذکور از مدارس ابتدائیه
 و رشديه و عالییه دوازده هزار باب مکتب تأسیس شده -
 هنوز مات بقاییت نیم منزلی سلطنت مشروطه نرسیده اند
 و قدرت و عدت مکتب روسیه معلوم است باوجود
 آن الکسندر سیم امپراطور روس فرمود - من حاضریم
 استقلال را بمشروطه بدل نمایم هرگاه مات روسیه مستعد
 و قابل است حق دولت و مات آماست که سلطنت
 مشروطه داشته باشند که امروز در صدیکنفر نیست که
 سودا نداشته باشد و معنای سلطنت مشروطه را فهمیده
 باشد - نه اینکه ایرانیان که در صدی سه نفر روپمرقه پیدا
 نتوان کرد که سواد داشته و خواندن و نوشتن بدانند
 قانما جمهوری هرکس برای ایران در این خیال باشد
 یا عوام محض و از عوالم ساست مطلق بی خبر است و
 یا خاین مات و دولت میباشد چه با استعداد ملت فرانسه
 باز همه از جمهوری خود نفرت دارند - غرض اینست
 بعضی از مغرضین گاه و بیگاه از روی اضراس شخصی
 دولت را بدین بهانه بکمر به بندارند که فلان وزیر یا
 فلان دیر که در ماده قانون سخن میراند جمهوری طلب
 یا طالب سلطنت مشروطه است
 بار مطالب پریش و بی ربطند استدعای عفو
 درم ، بصود این است که اگر کار باین قرماند آسوده
 خاطر ، امیدوار باید شد که بعد از میرزا علی اصغر خان
 کارها اصلاح پذیرد اگر اصغر خان رفت اکبر خان میآید
 بار همان وضع سخته دیدیم باین روش پریشان و بیذابوی
 بجائی نمیرسند یا از میدان منگیزند یا مردود دگاه و
 مستوجب لعنت مات خواهند گردید
 امروزه هر يك از وررا از شخص پادشاه توقع
 قانون و ترتیب و تفصیل آنرا نماید از اصناف دور پانک از
 درجه مجور است - از فاضل تقدسی پادشاه باید هزار تشکر

داشت که مانع اجرای قانون ترقی ملت نیست از شخص
 شهنشاه آنگو این گونه توقع شود وزرا برای چه
 خواهند بود - اینها همه وظیفه وزرا و هیئت اولیای
 امور جمهور است
 ای امرای ایران و ای وزرای ذوالاحترام تسبیح
 نمائید بشتابید تا بسر منزل نیکبانی برسید وقت شما
 مساعد است اگر غفات و وزید عاقبت شما وخیم تر از
 میرزا علی اصغر خان خواهد شد ما و شما مردود رعیت
 و مات ایرانیم - اگر خدا نکرده بلائی نازل شود اول
 بخانهای شما نزول خواهد نمود زیرا که عالی و مجلل است
 و پرورده ناز و نعمتید و ما افراد رعایا هماره در زحمت
 و شکنجه بوده و هستیم - وظیفه شهاست که کارها را
 بمات حالی نمائید - اینک قضیه برعکس شده ملت بشها
 حالی میکنند و مانفت نمی شوید عاقبت پشیمان خواهید
 شد - مثل مشهور است يك نفر روستائی خواست گاو
 را بجهت شخم برد هر چه کرد از جای بر نخاست
 صاحبش قهر کرده چوب را انداخته و گفت ای
 صاحب مرده امروز بخواب فردا که زمستان دو رسد
 و طلبگار آید خواهی فهمید که مرا می برد یا تورا - اگر
 با دیده عبرت بتواریخ بنگریم و از روی عقل تفکر نمایم
 صدق اینثل گاو و دهقانی نتیجه عاقبت بزرگان ماست
 (فمبرو فی الارض فانظروا کیف كان عاقبت المکذبین)
 دو خاتمه این مقال عرض میکنم تا رجال صاحب اختیار
 بدانند این - مخازن را گوننده و نویسنده جبل المتین نیست
 نویسندگان فقط و طبعه ترجمانی دارند این آوازا از
 طبیعت برحاسته میشود اینها را زمانه پرورش میدهد
 و مقتضای زمان هم ایست - حق زمانه است خواهد
 گرفت بوجه خود را معطل فرمایید فوراً نیت را
 خاص فرموده در فکر عاقبت خود و اصلاح حال ملک
 مات باشید - ریشه استبداد را از بن برکنید رعیت
 و مملکت فرشی را عقلاً و شرعاً حرام دانید این
 معامله مباح نیست بدین روش بسر منزل مقصود
 نتوان رسید پای لنگ و منزل بس دراز است

... این نظریه نجس را شست و شو کن
 پس آنکه بلدة سکوتر در او کن
 طیبسان دوا بخفتند حاذق
 هر بیمار معجونست لایق
 در هر صورت اگر توانید از خود و اگر نتوانید
 در فروعات باید تقلید را از دست نداده در اجرای
 قانون اقدام نهاید

بر موجب عقل زندگان کردن
 شاید کردن ولی ندای کردن
 استاد تو روز گلر چاکست است
 چندان بسرت زند که دانی کردن
 تو را بر هر دو منزل ره نمودند
 هر جانب که خواهی کن هنریمت

خیرخواه (ز - م)

حقیقت مکتوب یکی از فضیلتی نامدار

از شماره ۱۰

و اگر گاهی بمقتضای تکلیف شرمی حرکتی کرده
 چیزی فرموده اند مانند مرحوم مجاهد فی سبیل الله آقا
 سید محمد طباطبائی که رأیت جهاد افراخته از عتبات
 طالبان بمحاربه دولت روس نتافت - و مرحوم حجة
 الاسلام مهزای شیرازی نجفی انارالله برهان حکمی
 درباره رژی فرمودند یا حضرات علماهای اعلام نجف
 اشرف و سکر بلاعمل مدظلالهم العالیه در منزل میرزا
 علی اسفرخان امین السلطان و بعضی مطالب دیگر اقدام
 فرموده یتکراف و غیره برداختند تمام محس اعلاهی
 اعلام اسلام و قطع دست اجانب از ممالک اسلامیة و
 حفظ حوزه مسلمین بوده - چنانکه بر هر کس واضح
 و آشکار است

و نیز اصلاح مابین دولتین عایتین اسلامیتین که
 در زمان سلطنت و جهاننداری سلطان محمود خان
 غازی و فتحعلی شاه قازی طاب ثراهما که بسی و کوشش
 مرحوم مبرور شیخ بجنر نجفی کاشف الغطاء رضوان الله
 علیه انجام یافت هنوز مدنظر رجال دولت علیه عنایه

است و غیر ذلک مثل توسط علماء کرام در هنگام
 شورش اهالی کربلا در سنه (۱۲۹۴) بر درات ابد مدت -
 که دلالت بر خیرخواهی و دینداری آن بزرگواران
 دارد و بر بطلان آن پتان برهان قاطع است و اگر
 بخواهیم يك يك را بنکاریم مثنوی هفتاد من کاغذ شود
 نکته دیگر اینکه نسبت این جعل و افتراء
 را بقطب و دو نفر دیگر از مفسدین بی دین داده
 شده باعتقاد احقر صحیح نیست - زیرا که قطب و دایره
 موج او اذل و ائزل و خوار تر از آنند که بتوانند
 مصدر چنین کارها شوند - بلکه جز خوردن وحلا پر
 کردن فکری ندارند - و هرگز خیال و اندیشه ناقص شان
 باین گونه مطالب سیاسی نخواهد رسید - این صکار
 شخص بلکه اشخاص خردمند کاردان با سیاست و
 درایت است بلکه ظن غالب آنست که بتدبیر و نیرنگی
 سیاسیون فرنگستان شده باشد -

بسبب اینکه چون دیدند بتوجهات ملوکانه و تدابیر
 سیاسیة دو پادشاه حجاج دیدار دولتخواه اسلامیان
 بنام خلدالله تعالی دولتها و اهالك اعدائهما - سلسله اتحاد
 و اتفاق دو دولت جاود مدت اسلام بخوی محکم
 گردیده که بهیچوجه امید گسیختن نیست - و روز بروز
 باستحکام آن افزوده میشود و بمضمون (آری اتفاق
 جهان میتوان گرفت) عنقریب نتیجه آن ظاهر و ثمره اش
 باهر گردیده دست تطاول اجانب از دامان عزتشان
 کوتاه خواهد شد در پی حیل و مکر و کید و زور و
 تدبیر و شید بر آمده باین مکتوب مدلسانه مزورانه
 خواستد بنیان اتحاد و اتفاق را خراب - و اساس
 تفیق و شقاق مابین ملتین اسلامیین گذارده تا ایشان بخانه
 جنگ مشغول و خودشان از دور بهاشا ایستاده بمطاب
 اصلی خویش که انقراض اسلام است برسند - در حالیکه
 نه لشکرکشی نه جنگ و خرجی کرده ممالک اسلامیة را
 تصرف و درمیان خود تقسیم نمایند که خداوند لایزال
 چنین روزی را برای عامه مسلمانان نیارود

لکن الحمد لله که برکت هوشیاری و بیداری مغزی

دولت عالیة عثمانیه تبرشان بسنگ آمده نیرنگشان اثری بخشید. این اول تدبیر ایشان نیست بلکه هر وقت فرصت بیابند در پی اینگونه تدابیر هستند - چنانچه چند سال قبل هنگامیکه بعضی از جهال سامراء برخانه مرحوم حجة الاسلام میرزای شیرازی نورالله صجعه حمله آورده بسنگ اندازی جسارت ورزیدند - با لیوز دو همسایه شهاب و جنوب مقیمین بغداد با مرد دولت متبوعه خود بسامراء رفته محض النساء نفاق و تأسیس شقاق طاین مسامین خواستند بخدمت مرحوم حجة الاسلام شرفیاب شوند هر چند وسایط آنکیحتند اجازت حضور نیافتند تا کام و نامراد مراجعت بغداد نمودند

المحدثه که از تفصیلات حضرت آفریدگار جلت عظمته دوات علیه از کذب و بی اصل بودن این مکتوب شیطنت اسلوب آگاه بامری که موجب نفاق و شقاق بین اهل اسلام باشد نه برداخته فی الواقع هرگاه امروز دشمنی روی بعراق آورد باندک اشاره اعلیحضرت شاهانه خلافت ملکه و سلطان اول کسیکه کفن پوشیده شمشیر عایل کرده بدفاع و جهاد پردازد حضرات علمای اعلام کثرت امانهم بیباشند

گذشت آنروزی که بعضی از جهال میتوانستند اسباب اغتشاش و خاخه خنکی بین مسامین فراهم آرند - امروز روزیستکه هموم اهل اسلام از ظلم و جاهل - دیوانه و قائل - تدلیس بیگانگانرا فهمیده همشان در حفظ بیضه اسلام و ابقای کله جامعه اسلامی است - و در خدمت بموالم اسلامیت از جان و مال دریغ ندارند (اللهم ابدالاسلام والمسلمین واصر اهل الدین علی المشرکین والکافرین محمد و آله الطاهربین صلواتک علیهم اجمعین راقم (م - س - ح)

ترجمه از روزنامه دلی نیوز لندن - (۲۳ ستمبر سنه ۱۹۰۳)

مسئله جهاد

امتداد و ازدیاد کیش و مذهب اسلام که بزرگان عثمانی هم تابع همین مذهب و پیرو به همین مسلکند از

قوت شمشیر دلنسته شده - چنانچه این مسئله مهمه را چندی پیش رئیس الاساقفه انگلستان در روزنامه دلی نیوز لندن مطبوعه (۲۱) ستمبر سنه (۱۹۰۳) میلادی نگاشته شرح و بسط داده بود - کلیه مسیحیان زماننا هذا یا بعبارة اطری فی صدی نود و نه فر همین عقیده معتقد و جان میدانند که اشاعه و انتشار اسلام بقوه شمشیر شده است - و بر همین بنا (مستر جسترز) مقاله روز شنبه گذشته دو روزنامه دلی نیوز لندن ۱۹ ستمبر درج کرده است -

کدام یک از مآثرات جهادیه را که (مستر جسترز) مشار الیه در کتب درسیه مکتب خود که با تفصیل بهجت و فردوس عیش و عشرت اسلامیان درج و طبع کرده فراموش کرده ایم - در همان مکتب ذکر حوریان بی شمار که منتظر مقدم مجاهدین که در جنگ با کفار شهید شده باشند ایراد کرده است -

بهر حال از آن فقرات مندرجه کتب و مقالات مطبوعه روزنامهجات نتوانستیم خودرا اطمینان داده نفس خویش را راضی کنیم که علت حقیقی اشاعه و انتشار اسلام این است و جز این نیست

از آن بعد با خود تصور کردم که شاید تعلیمات قرآن و اسلام هم مانند مکتب خسته تکوینی بنیاد خلقت توریه باشد که بر آن نکته چینی توان نمود - یا شاید مسئله تعلیمات جهادیه اسلام مشتمل بر سفک دماء از روی قوای طبیعی فطریه نبوده باشد بلکه فرض اصلی مسارع بر چیز دیگر هستی و منظوری بوده است

هرگاه کسی به غور و دقت در ماده قتل و قتل عیسویان در تصنیفات (مستر بکینین) در مسئله زیارت که آن را (بلگریز پروگرس) مینامند نظر کند می بیند که آن قتل و قتل که عیسویان بروی مسکار آوردند هزار گونه شرح و بسط را درخور است - تا آنچه مسلمانان برای پیشرفت کیش خود کردند متفکر بودم که شرح و تفصیل این سمراتب را از

کجا حاصل توان کرد - چه مسلمانان لندن مسجد و
عبدی ندارند - و طلاب مدارس و کتابخانه را هم
فیتوان از ایشان توقع کرد که بتوانند بطور خاطر
خواه روشی بر این تیرگی افکار افکنند -

از حسن اتساق (مس منیک) که یکی از دختر
خانهای نجیب و از متعلمین و متعلقین مدرسه ملی
(اندیان ایسوسیئشن) و از دوستان کارآمد وقت من
است. مرا از قیام وجود شخص دانشمندی که سمت
علامه کی دبستانهای ملی را دارد و از علماء متبحر اسلام
میباشد - اعی علامه الطاهر مولوی الالمی سیدعلی بلگرامی
مدرس مهراتی دبستان کبرج آگاهی داد - که این شخص
نجیب بعلاوه مدرس زبان مهراتی هندی مدرس و
خطیب لسان عذبالبیان عربی هم در همان دبستان
میباشد - اگر بهشارالیه یعنی علامه بلگرامی رجوع
شود هرآینه مسئله جهاد معتقد اسلام کشف و
توضیح تواند شد -

زیرا که قول علامه مؤمنی الیه سند است - بنام
علی هذه الخبر الواقعة بجانب مقصود رو آورده بطرف
(گبسی میل) شتافته و آنجا مرا با آموزندگانی
رحیمی کردند که دیوارهای آن بیت الشرف از
قفس کتب علمیه و تفاسیر علوم فقهیه اسلام
و قرآن در زبان عربی با افکارات علوم جدیدة آلمانی
و انگلیسی که خود آن نقوش صامته حقیقت مطلب را
آشکار میکرد منتوش و مسطور بود -

این شخص علامه نجیب از ذریه یاله شارع اسلام
محمد ابن عبدالله ابن عبدالمطلب هاشمی است و دارای
همین دین میباشد - گفتم ظاهراً بتواند حقیقت این مذهب
را که خود همین عقیده بای بنده است بر من ظاهر دارد -
و خاطر آشفته مرا از زنگ شک و رب بزداید
علامه بلگرامی بدون تمجیح و مراجعته بر مطالب
امتداد و از دیاد اسلام بقوه شمشیر - فرمود که این
مجمولات وهمیه فقط نظرات قبسیاسیه عیسویان است -
هرگز هیچ مسلمان عقیده ندارد که مذهب را

بقوه شمشیر بسط باید داد - در صورتیکه عالم بهلوم
قران باشد - از علاقه برسدیم چه میگویند دوباره سوره
چهل و هفتم قران در آیه (و اذا قیت الذین کفروا
الح) علامه بلگرامی فرمود شک نیست که این گونه آیات را
ما در قران داریم - مانند آنچه در کتب مقدسه خود
شما عیسویانست - باید آنها را براین قریبه که مناسبت
زمان و مکان را داشته تاویل نمود - چنانچه کلمات -
(لشنة خون) که همه روزه در کلیسا های شا به آهنگ
موسیقی مزمار زبور را می شنواید -

عیسویت خود دین است خونریز اگر بخواهی کیفیت
جنگ بدر را بدان اذن بدمید تا حقیقت آنرا برای شما
بیان نمایم - وقتی پیغمبر ما چنان کلمات را فرمود با آنکه
جوان بود - در مکه عموماً او را متقی و پرهیز کار و
نیک نفس میدانستند - و او را امین مینامیدند - و خویشان
او از قبیله با کنزادی بودند که توایت کعبه نسل بعدنمل
درید قدرت آنها بود - که در آن زمان مرکز بت پرستان
عربستان بودی - و پیغمبر شروع بجنگ برخلاف بت
پرستی و بت پرستان کرد - و مردم را وعظ مینمود که غیر
ازیک خدا خدائی نداریم - و همین موعظه و تبشیر باطبع
باعث این شد که قبیلهاش با او مخالفت کردند -
پیغمبر خدا دید که سائیکه از سایر بلاد عربستان برای
زیارت و طواف و حج می آیند در میان آنها هستند
مردمانیکه او را حمایت و یاری کنند - بنابراین از مکه
مدینه هجرت فرمود - و در آنجا علانیه برخلافت کفار
و برخلاف بت پرستی و بت پرستان وعظ مینمود -
و عاقبت جنگ دفاعی لازم گردید که اجرا شد

در همین حین و بیص حالات پیاپی کفار بت پرست
فرووات چند بروی کار آورد - مفسرین ما آیه را که
شما اشاره بدان کردید از آیات منسوخه تاویل و
تفسیر کرده - یا بساراً آخری احکام لایممل علیه توضیح
نموده اند - و مانند آیات منسوخه توریه خود شما عیسویان
است که از عمل افتاده - چنانچه در همان سوره که شما
اشاره بدان کردید پیغمبر ما به امت خود امر میفرماید -